

کتابچه مطالب لازمہ توپخانہ مبارکہ

کتابچہ مطالب لازمہ گزارشی است به ناصرالدین شاه دربارہ وضع توپچیان تهران و سرحدات ایران و وضع جیره و مواجب آنان . متأسفانه تاریخ ندارد و گزارش دهنده آن معلوم نیست، اما آنچه مسلم است خط این کتابچه با خط کتابچه عرایض توپخانه مبارکہ که در شماره ۶ سال دوم همین مجله به معرفی آن پرداختیم یکی است و مینماید که گزارش دهنده هر دو یک نفر است .

تاریخ کتابچه عرایض توپخانه مبارکہ در صفحه اول قید شده (بتاریخ شهر رجب تنکوزئیل ۱۳۰۴) و

بنظم
محمد گلبن

کتابچه مطالب لازمه توپخانه بطوریکه در بالا اشاره شد ، بدون تاریخ است و نشان میدهد که در همان ایام یا با چندسالی جلو و دنبال نوشته شده است. کتابچه مزبور در چند قسمت و هر قسمتی مربوط به موضوعی خاص است. قسمت اول مربوط است به درس کاپیتان پرورشنگ معلم توپخانه و وضع اطاق درس و پیشرفت درس صاحب منصبان و افراد دیگری که در جلسه درس او حاضر میشده اند .

قسمت دوم درباره آزمایش توپها و تنظیم کتابچه مبنی بر معیار باروت و ارتفاع درجه و آموختن تیراندازی .

قسمت سوم درباره کشیک دادن قراولان در میدان توپخانه طبق قانون اطریش به مدت ۲۴ ساعت زیر نظریک نفر نایب سرهنگ یا یاور و وضع اطاق کارآنان و لوازم آن .

قسمت چهارم درباره کسر نفری توپچیان آذربایجانی و گرفتن توپچی با قانون بنیچه .

قسمت پنجم درباره جیره و مواجب توپچیان و مأمورین ساخلو شهر تبریز .

قسمت ششم درباره توپچیان قزوینی و جیره آنان و نیز درباره توپچیان قزوینی که مأمور ساخلو در کرمان و انزلی بوده اند .

قسمت هفتم درباره توپچیان کردستان و کرمانشاهان و نرسیدن جیره و مواجب آنان .

قسمت هشتم درباره توپچیان استرآباد و بسطام و نرسیدن مواجب و تسعیر مواجب آنان و آوردن توپهای بسطام به تهران و مطالبی دیگر .

این کتابچه که در ۱۵ صفحه تنظیم یافته از نظر مطالب و آگاهی یافتن به وضع ارتش در زمان قاجاریه و رقی ارزشمند از تاریخ ارتش ایران است و میتوان از لابلای این چند برگ دورنمای ارتش ایران را در آن روزگار از جلو چشم گذراند و چهره واقعی گردانندگان آن را تا اندازه ای شناخت . و نیز برای کسانی که بخواهند از نظر تطبیقی مطالبی درباره ارتش ایران در قدیم و آن روزگار و امروز بنویسند از چند نظر مأخذ بسیار خوبی است .

و هر گاه این کتابچه پیش از انتشار « تاریخچه سربازگیری در ایران » بقلم سرکار سرهنگ مهندس جهانگیر قائم مقامی در شماره ۲ سال دوم همین مجله ص ۶۳ - ۹۲ انتشار یافته بود و یا در دسترس ایشان قرار داشت، مأخذ خوبی بود برای تاریخچه ارزشمند ایشان، زیرا بطوریکه در بالا اشاره شد قسمتی از این کتابچه مربوط به گرفتن توپچی از روی قانون بنیچه است که در تاریخچه مذکور (شماره ۲ - سال دوم مجله) در باره قانون بنیچه و ریشه لغت آن مطلب ارزشمندی موجود است.

اینک اصل و رونوشت کتابچه لازمه توپخانه از نظر خوانندگان گرامی میکندرد:

هو الله الناصر

کتابچه مطالب توپخانه مبارکه به جهت اطلاع خاطر مبارك جبارت میشود

سلامتی وجود مسعود آفتاب نمود سرکار اعلی حضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاه جمجاه روح العالمین فداه بر حسب امر وارده خاطر مبارك سرکار بندگان حضرت مستطاب اشرف امجدارفع افخم اسعد اعظم والاروحی فداه مجلس درس بمعلمی عالی جاه کاپیتان پرورشنگ معلم توپخانه منعقد و جمیع صاحب منصبان از سرهنگ الی بیکزاده که آخر درجه شمشیر بنداست بدون استثناء اعم از توپخانه قدیم و جدید اطریش و مهندس تمام همه روزه در سر درس حاضر میشوند و اطاق درس در بالاخانه سردر میدان جدید توپخانه محاذی خانه جناب وزیر فواید معین و اسباب ملزومات آن از قبیل تخت چوبی و صندلی و پرده و غیره بقدر لزوم کم خرج و بسیار تمیز و منقح تهیه شده صاحب منصبان در کمال امیدواری و آسودگی مشغول تحصیل میباشند این فقره الزم و واجب تکالیف صاحب منصب است در این مدت کسی باین خیال نبود هر گاه از اول انعقاد کر جدید اطریش و آمدن صاحب منصبان استریالی باین کار اقدام میشد حال تمام صاحب منصبان توپخانه با علم و اطلاع و در قواعد و علوم لازمه توپخانه کامل بودند اکنون هم که بمرحمت کامله حضرت اشرف امجدارفع اسعد اعظم والاروحی فداه اقدام باین کار شده انشاء الله فواید و نتایج کامله حسنه آن عنقریب مشهود حضور مبارك

میکرد. نهایت افتخار و تشکر از این مرحمت برای عموم نفرات توپخانه مبارک حاصل است.

در باب مشق تیراندازی که آنهم الزم خدمات صاحب منصب و توپچی است بنا به دستور العمل حضرت مستطاب اشرف امجدارفع اسعد اعظم والاروحی فداه اول از توپهای دو یونداخان شروع شده يك تیراندازی از گلوله و نارنجك میشود معیار و درجه باروت و ماسوره هر کدام که با بعد مختلفه امتحان و انداخته میشود نوشته شده بعد از دست آمدن میزان کلیه آن توپ بانبار توپخانه رد شده توپ دیگر گرفته میشود پس از تیراندازی با تمام توپها و دست آمدن درجات کتابچه ای مبنی بر معیار باروت و ارتفاع درجه و خط ماسوره نارنجك توپها و ۱۰۰۰۰۰ و خمپاره از دو یونداالی شصت و شش یوندا نوشته شده چاپ و طبع میشود بصاحب منصب و تابعین داده میشود این کتابچه خیلی مفید است و در موقع تیراندازی اسباب سهولت کار میشود توپهای جدید اطریشی هم از این کتابچه هر توپی یکی دارد بهر بعدی که لازم شود تیراندازی کنند فوراً از روی کتابچه معین میکنند. مثلاً در هزار قدم فاصله چند درجه ارتفاع لازم است و ماسوره در چند خط باید بریده شود که در آن مکان بتر کد حالا علم سینه است هر کدام از صاحب منصبان که مشق این کار را زیاد کرده اند میداند و دولی اغلب بی بهر ماند بعد از تمام شدن کتابچه هر کس رجوع بآن کرده متوجه از قواعد آن خواهد شد دیگر باروت و گلوله دولت بجهت تعلیم صاحب منصبان جدید و توپچیان تلف نخواهد شد.

همه روزه در میدان توپخانه يك نفر نایب سر هنگ یا یاور بایک نفر سوشماز سلطان یا نایب، رئیس قراولان است بطور قرارداد و قانون نظام اطریش کشیک میدهند تا بیست و چهار ساعت مدت کشیک آنها که بعد از انقضاء مدت عوض شده صاحب منصبان دیگر بهمین درجات بطور قانون معموله صاحب منصبان و قراولان قدیم و جدید با شیور بیکدیگر سلام نظامی داده قدیمی مرخص و جدید مشغول قراولی و تکالیف خود میشود. انتظام کلی در عمل صاحب منصبان و

۱- محل نقطه چین نام نوعی سلاح است که خوانده نشد.

قراولان كشيک حاصل است ليكن اطاق كار كه در منزل رئيس كشيک و سوشف است بعضی نواقص دارد كه هر گاه رفع شود مزيد بر نظم و آسودگى صاحب منصبان خواهد شد و لا قدرى بنايى و تعميرات جزئى لازمه از قبيل سفيدكارى و ساختن بخارى و مرمت دروب و غيره دارد. در زمستان از سرما خيلى سخت ميگذرد، ثانياً مبل لازمه از فرش و پرده و غيره هيچ ندارد لابد هر روز صبح هر صاحب منصب كه نوبه كشيک اوست بايد فرش وساير مايلزم از خانه اش بدوش حمل داده آنجا بياورد اسباب زحمت و معطلی است تمام مبل اين اطاق بقدرسى چهل تومان بيشتر نميشود - هر گاه رأى مبارك اقتضاء فرمايد مايلزم اطاق را خريده تحويل صاحب منصبان توپخانه بدهند مزيد بر تشكرات آنها شده باسودگى بخدمات خود قيام نموده اسباب هم مال ديوان اعلى و حفظ خواهد شد. امر امر مبارك است.

آذربايجان

درباب كسر نفرى توپچيان آذربايجانى مكرر بعرض رسيده كه افواج توپخانه تمام كسر نفرى دارند. حكم همايونى شرف صدور يافت كه كسر آنها گرفته شود. بصاحب منصب و رئيس هر فوج ابلاغ شد كه معجلاً عوض غايب و متوفى را توپچى جوان معتبر پادار برقرار نمايند، از جمله توپچيان خوئى بودند كه در مأموريت ساخلو فارس زياد تصدق شده بودند قريب هشتاد نفر از ماخذ كسر بود. مقرب الخاقان تقى خان سرتيب حسب الامر تمام آنها را از جوانان معتبر توپچى گرفته در غائله اكراد هم جهمى از آنها را با ساير توپچيان بواسطه كمى توپچى بمأموريت فرستاده بود سه ماه بدون جيره و مواجب خدمت كرده بودند بعد از مراجعت نزد مرحوم امير نظام سان داده تمام آنها را اخراج و بنوكرى قبول نكرد در فقره كسر افواج حكم محكمى لازم است در صورتيكه رأى مبارك اقتضاء فرمايد افواج بى كسر ماخذ باشند مقرر شود كه صاحب منصب هر فوج كسر آنچه دارد برقرار و پادار كند.

قرار گرفتن توپچى برد او طلب است درينخصوص چندين مرتبه در مجالس

عدیده در حضور اولیای دولت ابد مدت گفتگوها و سؤال و جوابها باشد که مثل سرباز بنیچه^۱ شود از روی بنیچه توپچی بگیرند بجهت عدیده که اسباب زحمت و عدم پیشرفت کار و تغییر کلیه وضع و همه روزه سبب تشکی مالکین و ضرر و خسارت رعیت میشد صلاح در این دیدند که توپچی داوطلب باشد این فقره محسنات زیاد دارد از جمله در بنیچه مالک هر گز راضی نمیشود که رعیت کار آمد خویش را نوکر بدهد البته هر کجا بیمصرف ترین رعیت را نوکر خواهد داد صاحب منصب هم یقین قبول نخواهد کرد و همواره اسباب شکایت طرفین شده باین جهت افواج بی کسر نخواهد شد این بود که امر قدر قدر شرف صدور یافت که توپچی داوطلب برقرار شود و تا کنون معمول به است در هذا السنه مستقر الخاقان معین لشکر مذکور نموده است که کسر افواج توپخانه باید از روی بنیچه گرفته شود و حال نه کسی از روی بنیچه از ملاکین توپچی میدهند و نه در تبریز داوطلب قبول میکنند کسر افواج بهمین حالت مانده همه روزه هم بواسطه غایب و متوفی کسر زیادتر میشود. حکم این فقره را بهر نحو رأی مبارک علاقه میگردد مقرر فرمایند.

طلب سنواتی توپچیان آذربایجانی از بابت مواجب محلی که باختلاف از سه سال و چهار سال زیادتر مانده بود دیوان اعلیٰ مرحمت فرمودند مفرع شد دو سال بود که توپچی احضار میشد برای مأموریت و رکاب اسباب زحمت و در درس اولیای دولت نبود. در سنه ماضیه عمل مواجب محلی عموم توپچیان آذربایجانی مغشوش شده است همین که تمام توپچی را از محل به تبریز خواسته اند مبالغی متضرر شده حاضر کرده اند سان دیده حاضرین را مواجب داده عقب مانده و مریض که بمد حاضر شده اند حتی مأمورین رکاب و سرحدات را که الان در سر خدمت دولت هستند مواجب نداده اند معین لشکر بجهت حسن خدمت مواجب نوکر حی و حاضر را با اسم غایب و متوفی و تفاوت عمل قلمداد کرده هر کس از ساخلو و غیره حاضر شده و مطالبه حق خود را مینماید میگوید مواجب تو تقدیم حضور همایونی شده یقین نوکر از حق خود که مرحمتی دیوان

۱- بنیچه : برای اطلاع از قانون بنیچه رجوع شود به تاریخچه سرباز گیری در ایران

بقلم سرهنگ مهندس جهانگیر قائم مقامی شماره ۲ سال دوم مجله بررسیهای تاریخی ص ۶۳-۹۲

همایون اعلی است دست نخواهد کشید در وقت حاضر شدن در رکاب مبارک تظلم و استدعای حق خود را نموده اسباب تصدیع خاطر مبارک خواهد شد.

موجب توپچیان مأمورین ساخلو و قراولی شهر تبریز و سرحدات آذربایجان همه ساله نه ماهه بخرج آمده و دریافت میکردند حقیقتاً مستحق سالیانه اند ولی به ملاحظه اینکه از اهالی خود آذربایجان و بالنسبه چندان سفیر^۱ نیست برای آنها اولیای دولت محض صرفه قرار موجب متوقفین تبریز و سرحدات آذربایجان را در نه ماهه از اول داده اند اگر چه مثل توپچی خلخال را که بسرحد خوی یا لاهیجان یا خود تبریز میخواستند و مأمور ساخلو آنجا می شوند هیچ فرق و تفاوتی برای او از مأموریت رکاب و غیره ندارد از قدیم این طور معمول شده ولی در سنه ماضیه مأمورین را هم مثل سایر مرخصین خانه بی تفاوت ششماهه داده اند حال که سه ماده دیگر را مطالبه مینمایند میگویند تقدیم حضور مبارک شده این فقره اسباب پریشانی و شکایت عموم صاحب منصبان و توپچیان مأمورین شده است دور از عدالت است توپچی که در سر خدمت است مثل سایرین که مرخص و در خانه خود را احتند بی تفاوت باشند و همه شش ماهه ببرند استدعای بذل مرحمت و رفع تعدی دارند که امر و مقرر شود کما فی السابق موجب آنها را همان طور که بخرج آمده نه ماهه بدهند که آسوده بدعا گوئی وجود مبارک و جان نشاری مشغول شوند.

عراق و غیره

در سنه ماضیه توشقان نیل توپچیان قزوینی مأمور ساخلو عربستان بودند موجب سه ماهه آنها که بخرج دستور العمل قزوین آمده بود مأمور وجه نظام از محل دریافت به طهران آورد در محاسبه خزانه نظام تقدیم حضور همایونی نموده و از حشو برات کل محل توپچیان قزوینی موضوع نمودند باین اسم که بعد از حاضر شدن توپچی برات به مهر مهر شمار صادر و حقوق آنها مرحمت شود پس از انقضاء مدت مأموریت عربستان که مرخص خانه شدند استدعای موجب خودشان را کردند موکول بحاضر شدن سر خدمت شد

۱- این لفت درست خوانده نشد و معلوم نیست سفر - سفیر یا بعید کدام است.

در هذه السنه که احضار برکاب برای مأموریت ساختن سرحدات شدند عرض خودشان را نموده امر و مقرر گردید برات صادر شود بهمین صیغه برات صادر و تقدیم خاک پای اقدس همایونی داشتند دست خط جهان مطاع شرف صدور یافت که در مجلس وزراء رسیدگی نموده تشخیص بدهند که برات صحیح صادر شده یا نه از مجلس مقرب الخاقان حاجی مشیر لشکر را با کتابچه توشقان - ثیل خزانه نظام حاضر و رسیدگی نمودند جناب مستطاب اجل اکرم^۱ مد ظله العالی مقرر فرمودند تفصیل این تنخواه را مشارالیه در حاشیه برات نوشت که باید طلب توپچی مرحمت شود و برات صحیح در توشقان ثیل این مبلغ را دیوان همایون اعلی برده اند حالا باید عوض مرحمت فرمایند برات از نظر مبارک سرکار بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اسعد والا روحی فداء میگردد، توپچیان قزوینی هم مأمور ساختن کسرها و انزلی شده اند همه روزه از آنجا می نویسند و استدعای مرحمت مواجب خودشان را دارند. دیگر حکم آن با کار گزاران حضرت مستطاب اشرف اسعد والا روحی فداء است مواجب ششماهه محل توپچیان شراهی از بابت سنه ماضیه توشقان در حکومت عراق معتمد السلطان حکیم الممالک نرسیده بروات بمهر معزی الیه حواله محل در دست است معادل طاب توپچی که سیصدوسی و سه تومان و کسری میباشد در سنه ماضیه احکام صادر و یک نفر مأمور معین و روانه عراق شد که مقرب الخاقان میرزا اعلی اکبر خان نایب الحکومه وصول و توسط مأمور ایصال دارد مشارالیه تقویتی نکرده محرمانه بصاحب منصب آنها گفته بود که چهل تومان بمن تعارف بدهید و این برات را هم بفرستید طهران حکیم الممالک عوض کرده از فلان و فلان محل حواله بدهد من وصول میکنم برات را به طهران فرستاد از همان محل های قله دادی نایب الحکومه از حکیم الممالک حواله و برات گرفته و تعلیقه هم از طرف جناب مستطاب اجل اکرم اعظم والا مد ظله العالی خطاب به نایب الحکومه تأکید در ایصال تنخواه توپچی صادر با مأمور مخصوص انفاذ عراق شد چهل تومان را هم در جزو صاحب منصب آنها از خود محض وصول این تنخواه تعارف داده بعد از مدتی

۱ - محل نقطه چین لنتی است که خواننده نشد.

معطل کردن مأمور را بدآقویستی ننموده و اعتنائی ننکرده مأمور را با برات مراجعت داده به حکیم الممالک اظهار شد جواب حسابی میگوید که محل مال دیوان اعلی است اگر من بی پا حواله کرده باشم و دیناری زیادی قلمداد نموده باشم یا قبوض من در محل های مزبور ابراز نشده باشد حق من است از عهده برآیم و اگر اجزاء حکومت عالیه تقویت در وصول آن نمایند چه بحث و تقصیری بر من وارد است توپچی شراهی هم الان در ساخلو سرحدات خراسان مشغول خدمت است در طهران میخواستند بجهت این موجب همه در اصطبل حضور مستطاب اشرف امجد ارفع اسعد اعظم والا روحی فداء بست بنشینند تحدید نموده منع شدند و خاطر جمع کرده آنها را روانه خراسان نمود از آنجا عریضه نوشته استدعای بذل مرحمت در ایصال موجب خودشان کرده اند توپچی کاری بحکیم الممالک و غیره ندارد بجز حضور مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا روحی فداء دیگری را نمیشناسد حقوق آنها را که دیوان همایون اعلی مرحمت فرموده است از هر کجا باید برسد مقرر و مرحمت فرمایند که بآسودگی مشغول خدمت گزاری باشند.

کرستان و کرمانشاهان

محمد علی بیگ نایب توپخانه که با توپچیان خمسه مأمور ساخلو کرستان است نوشته بود که جیره و مواجب شش ماهه توپچی را که به خرج دستور العمل اینجا منظور شده است از حکومت گرفته بتوپچی پرداختم حالا مقرب الخاقان میرزا یوسف وزیر میگوید جناب فخامت نصاب ناصر الملک از کرمانشاهان نوشته اند که من باقی مالیاتی ندارم و تمام مالیات دیوان را پرداخته ام موجب و جیره توپچی دخلی بمن ندارد یا باید برات خزانه صادر و حواله گمرک کرستان شود از گمرک دریافت نمایند یا از طهران معادل طلب توپچی تنخواه نقد بفرستند محصل گذاشته موجب و جیره توپچی را پس میخواهد بهزاز ماجرا اینقدر مهلت گرفته است که بطهران نوشته بعد از رسیدن جواب یا برات یا پول بدهد هر گز تا بحال چنین چیزی شنیده نشده است که موجب نو کر را پس

بخواهند در این خصوص هر نوع رأی مبارك اقتضاء فرمایند مقرر شود که جواب معجلا خواسته است .

از کرمانشاهان نوشته اند موآجب سه ماهه هذالسنه آنها نرسیده است يك سه ماهه حواله محل کرده اند که آنهم تا کنون وصول و عاید نشده و نیز بانصد وسی و نه تومان از بابت موآجب سنه ماضیه توپچیان کرمانشاهانی بر زمین است که برات بهر نواب والاحشمة السلطنه در دست دارند بحواله محل هر وقت مطالبه میکنند از محل جواب میکنند و از حکومت هم تقویت کامل در وصول آن نمیشود تکلیف توپچیان چیست از کجا باید حقوق آنها برسد مقرر فرمایند که زیاد اظهار پریشانی از نرسیدن سنه ماضیه خودشان کرده بودند.

استرآباد و بسطام

از استرآباد باقرخان یاور نوشته بود که توپچیان بسطامی که مأمور ساختو آنجا میباشند به تحریک چند نفر مفسد و مفتن در باب نرسیدن موآجب شکایت تلگرافاً از بنده بخا کپای همایونی کرده بودند که باقرخان موآجب مارا نمیدهد و حال اینکه امسال بجز شصت تومان بهمه جهت از موآجب صاحب منصب و تابعین چیزی دریافت نشده حرف حکومت هم این است که قسط نرسیده یکروز هم مصمم شده بودند به بست بروند بهزار التماس و زبان آنها را مانع شده برگردانیدم درست که تحقیق این فقره شد معلوم گردید که لشکر نویس این جا بنا بدشمنی که بامن دارد محرك آنها شده است از طرف کار گزاران حضرت مستطاب اشرف اسعد اعظم والا نوشته شد که مفسدین را که باسم و رسم نوشته بود به طهران بفرستند درست تحقیق شده در صورت صدق بعد از تنبیه اخراج و مدتی در حبس بمانند تا عبرت سایرین بشود اگر راست باشد لشکر نویس تقصیرش از آنها زیادتر است هر گاه صلاح بدانند این فقره را بامیر و الامراء العظام ساعدالدوله داده مقرر فرمایند رسیدگی نموده صدقش را بعرض برساند .

و نیز نوشته است که جیره توپچی را از قرار دو تومان تسعیر کرده اند از دیوان، الان نرخ ولایت پنج تومان است و این در حق توپچی خیلی بی اعتدالی

است در سنوات ماضیه که این فقره بعرض خاک پای همایونی رسید مقرر شد جیره یا نان پخته یا بقیمت عادل و نرخ روز نقد بدهند اکنون هم همین استدعارا دارند که محض تفصیل مقرر شود جیره را به نرخ روز بدهند.

در باب آوردن توپهای بسطام به طهران حسب الامر حکم شد که حاکم حقوق توپچی را بپردازد که بی معطلی عازم شود تا کنون کسر مواجب آنها و کرایه مال بند توپچی و اصطبل توپچی را نداده است معطلی آنها بهمین واسطه است هر وقت بدهد فوراً عازم خواهند شد از سنه آتیه همه ساله نصف توپچیان بسطامی مأمور ساخلو استرآباد و نصف مرخصی خانه خواهند بود دیگر از رکاب مبارک توپچی برای ساخلو استرآباد فرستاده نمیشود از روز اول هم این توپچی حسب الامر برای مأموریت ساخلو استرآباد توپچی برقرار شدند توپچیان جدید اطریشی که الان یکصد نفر و حاضر رکاب مبارکند سابقاً چهل قبضه قداره غلاف آهنی از قداره هائی که در انعقاد کر اطریش به توپچیان جدید داده شده بعد از مرخصی حسب الامر به تحویل معتقد السلطان امین السلطنه دادند قبض داده مجدد از معزی الیه دریافت کردند شصت قبضه دیگر لازم دارند هر گاه باید باز از همین قداره غلاف آهنی داشته باشند باید قبض نوشته حضرت اشرف امجد ارفع اسعد اعظم والاروحی فداه حواله بفرمایند از امین السلطنه دریافت نمایند و اگر مقرر میفرمایند مثل تمام توپچیان قداره غلاف چرمی کوتاه قد ببندند باید قبض نوشته بقورخانه مبارک که حواله فرمایند که دریافت کنند هر قسم که رأی مبارک علاقه میگیرد امر فرمایند اطاعت شود.

کلمه حسنه با شکر و خشم و شکر بگوید بهایت فخر و شکر لای عزت را بر عزم او است
و بهایت که در عزت است

در باب شکر بفرموده اند که آنهم از نعمت و محبت است تا بهر چه در دست
شماست از حق بهر چه در حق است از او بپوشید و در حقش شکر کنید که از او
در کفر و نفاق بگفتند بعد از او در هر لحظه از او بپوشید و در حقش شکر کنید
بعد از دست که آن نیز با کلمه آن وقت بفرموده اند که در کفر و نفاق
دست که آن در دست است که بگفتند بعد از او در هر لحظه از او بپوشید و در حقش
از هر چیز که در دست است بفرموده اند که در کفر و نفاق دست که آن در دست
خضع مغفرت در هر چه در دست است که بفرموده اند که در کفر و نفاق دست که آن در دست

یک صلوات بر سر کسب نم شود بر لغات کسب نم فرزند درین یک کسب نم شده در از ارقم صلوات
 ارتضیٰ نم رسد و در حفظ پار بر برید شود که در این مکانی بر که حاصل علم نیست اگر کلام در حق
 که شایان کار از آن کسب نم نیست بر این صفت به برده اند بعد از آن که در کسب نم در حق
 از او در حق صلوات دیگر در اول وقت بجهت تعظیم و محضای صلوات کسب نم صلوات

همه رفا در میان آن که کسب نم نیست باید با یک نفر در وقت از صلوات با باب
 بر سر فرادین است بطور قراد و در حق تعظیم از آن کسب نم نیست به جهت
 کسب نم است بعد از تعظیم است در حق صلوات دیگر صلوات بطور قراد و در حق صلوات
 و قرادین قراد و بعد از آن که کسب نم صلواتی در حق صلوات دیگر صلوات قراد و در حق صلوات
 نظام در حق صلوات قرادین کسب نم صلوات کسب نم صلوات کسب نم صلوات

بعضی از قصه ها که در این کتاب مذکور است
 به ترتیب و به اندازه و به سبب و در این کتاب
 در این کتاب به ترتیب و به سبب و در این کتاب
 که در این کتاب به ترتیب و به سبب و در این کتاب
 وقت و به سبب و در این کتاب
 و به سبب و در این کتاب
 و به سبب و در این کتاب

از کتابخانه
 پنهان جامع علوم انسانی

در باب که در این کتاب
 و به سبب و در این کتاب
 و به سبب و در این کتاب

و حضرت رت حیت بر شریک صلح دانند بر تو یکی و از حبش شیخ حضرت
 زینب و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب
 رت حیت را در حقه و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب
 پاک که حکم شیخ این همه بر تو در حقه و از حبش زینب و از حبش زینب
 در این همه ترس و شوق و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب
 در این همه ترس و شوق و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب
 هم در حقه و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

طب سوره ای که در این کتاب است که در حقه و از حبش زینب و از حبش زینب
 در این همه ترس و شوق و از حبش زینب و از حبش زینب و از حبش زینب

بر آن آینه دل بر دست مفرغ فرود آید چو بخت غیبی بر سر دست آینه با باره فرود آید
 اگر چه مشرک زخی خلیج از در بر خیزد با بجهان خود بر سر کوه سهند و در غلغله کاس مشربین فرود آید
 بر او در آید بریت کاس خیزد سو ز قیوم این کوه مشربین کوه خیزد بر سر این کوه مشربین
 سایر در همین خانه به تعداد شصت و هفتاد و نه ساله که در هر یک از این کوه مشربین کوه خیزد
 خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد
 در روز اول است است تکیه در هر کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد
 به تعداد شصت و هفتاد و نه ساله که در هر یک از این کوه مشربین کوه خیزد
 در هر یک از این کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عراق و سیرة انسانی

در سینه فیروزه شادان کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد بر آن کوه مشربین کوه خیزد

دستور همی قزاقی که بود از زلف نام از همی زانفت بطور آن جو در می سر فرایند تمام
حضور همی نمود و از شرفی که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
بقا همی نمود و از شرفی که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
باز از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
و تقیم چنانچه که از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
شخصی است که بقا همی نمود و از شرفی که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
فرایند تمام و از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
شاید در می سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
صدا به همی نمود و از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام
از سر کمری که از سر کمری که در می سر فرایند تمام

در جبهه شهادت به چه بختی که بر این نیت سینه زنده اشان در حکومت خزان سینه
حکیم همک بریس و جفا هم بر سر بر سر جواد هم در دست سوال طلب و کیم بر سر سر
میباشد در زنده سینه حکم جفا بر کفر در بریس و در خزان است که تصدیق خانی بر سر
نایت که در دولت ارتقا در بریس سوشا بر توفیر کرده محمد زنده حضرت ایضا
که چهره قیاس بتعارف به سینه دان بر جفا در این نیت سینه جواد حکیم همک عرض کرده
و فصل همک جواد بر سر و سهل سنگ بر جفا را بطور بی فتنه از نهانی همک بر سر بر سر
در حکم همک جواد بر سر و سهول سنگ بر جفا را بطور بی فتنه از نهانی همک بر سر بر سر
نایت همک جواد بر سر و سهول سنگ بر جفا را بطور بی فتنه از نهانی همک بر سر بر سر
و حضرت ایضا از توفیر و سهل است جفا تعارف همک بعد از توفیر سطر کولی امر بود
توفیر غمزه و جفا کرده ما در جفا بر جفا همک همک همک همک همک همک همک همک
میگوید همک جواد بر سر و سهول سنگ بر جفا را بطور بی فتنه از نهانی همک بر سر بر سر
در مفاصل بر سر و سهول سنگ بر جفا را بطور بی فتنه از نهانی همک بر سر بر سر

که فرستاده ای تا به تمام نایبیت درین راه چنانچه در جیب تو کمی از معنی از سوی ما بماند
 خوانده ضروری و اولی که کوهستانی شود از در گذر رفت به ما با در نظر از معنی طلب تو کمی نگاه داشته
 بنویسنده مضمون کنی که در جیب تو کمی از معنی از سوی ما بماند و از آنجا که این معنی است که گفته شد
 نوشته بعد از رسیدن جیب بقایا به این معنی که اگر کوهستانی معنی هر چند نوشته شد به نیت که در جیب تو
 پس بنویسند و این معنی از معنی که در جیب تو نوشته شد و در جیب تو نوشته شد



شریفش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 که در کتب ای نوشته شد و در جیب تو نوشته شد و این معنی است که در جیب تو نوشته شد
 که آنهم با کوهستانی و این معنی است که در جیب تو نوشته شد و این معنی است که در جیب تو نوشته شد
 برین نیت و این معنی است که در جیب تو نوشته شد و این معنی است که در جیب تو نوشته شد

تعمیرش که در صورت صحت بهر آتش اخص و در غیر آن غیر صحت است
سگدیس بر آتشش در این زمانه است هرگاه صلح نماند بجزیرا بهر صلح
مستوفی بنزدیک کرده قشربه بر روز

دیز آتش است هر چه در آن آتش کوه آرد از آن آتش نفع است
دایه در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است
بناکی بجزیرا که در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است

در آب معطر آتشها بر سطح آتشها در آن آتش نفع است
عازم شهر تا کنون که در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است
انها پس در سطح آتشها در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است
بناکی بجزیرا که در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است
در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است در آن آتش نفع است

